

گفتگوی روزنامه تلگراف لندن با

اعلیحضرت

امیر فیض- حقوقدان

در کوتاه مدتی که مشغول تهیه گزارش فعالیت نشریه سنگر بودم که فکرمیکنم برای محققین تاریخ مبارزات برون مرزی ممکن است کمک باشد،^۱ اعلیحضرت با خودنویس و نیز گفتگونی با روزنامه دلی تلگراف لندن داشته اند که برسم سنگر، به اتفاق به نقدان مفتخر میگرددیم. نخست گفتگوی با روزنامه تلگراف که عنوان «معامله حمله نظامی به ایران» به آن اختصاص داده شده است.

معامله حمله نظامی به ایران

روزنامه نگلیسی دلی تلگراف، همزمان با برگزاری انتخابات مجلس ایران مقاله ای بقلم «دومین مکلووی» منتشر ساخته که موضوع آن گفتگو و آگاهی از نظرات اعلیحضرت نسبت به مسائل ایران است.

نویسنده مقاله روی نکاتی چند توقف فکری و قلمی داشته است نخست اینکه معتقد است که «رضاپهلوی فرزند آخرین پادشاه ایران» دورتازه ای از فعالیت های خود را آغاز کرده و میخواهد از طریق متحد کردن نیروهای معترض به رژیم جمهوری اسلامی و گردآوردن این نیروها در یک نقطه مورد اتفاق، اپوزیسیون کشورش را دگر باره احیاء کند (۱)

۱- مفهوم اظهار نظر نویسنده مقاله این است که اپوزیسیون جمهوری اسلامی مرده است و اعلیحضرت میخواهند آنرا زنده کنند. چگونه زنده کنند؟ نویسنده خود پاسخ آنرا از بیانات اعلیحضرت دریافت و به مقاله منتقل ساخته است و آن متحد ساختن نیروهای مخالف جمهوری اسلامی است.

البته نویسنده مقاله نخواست به گوید که این نسخه همان است که سی سال است ایشان برای پیچیدن آن فعال است و نه تنها پیچیده نشد بلکه بارها و بارها هم به عدم حصول آن اذعان و دست آخر هم علت آنرا هم در عبارت زیر اعلام فرموده اند:

«اگر موفق نشدم همه رازیرچتر واحدی در آورم علتش ساده انگاری من بود و اعتقادی که به پیشرفت کارها از طریق دموکراتیک داشتم»

و یکبار هم علت عدم موفقیت در اجرای تز همکاری را اینطور فرمودند:

«مشکل ما مشکل ایجاد مخاطب است برای گفت و شنود و کمک به شکل گرفتن یک اپوزیسیون متشکل»

و یک بار هم علت را **«اشکال فرهنگی ایرانیان دانستند»**

اظهار نظر مقاله به اینکه «آخرین فرزند پادشاه ایران» دورتازه ای از فعالیت های خود را آغاز کرده است، بسیار معنی دارد که تحقیق رامیکشاند به این موضوع که تا کنون ایشان چند دور فعالیت مبارزاتی داشته اند؟ و آغاز و پایان آن کی و چگونه و دستاورد های آنها چه بوده که مقاله مزبور، اپوزیسیون را مرده معرفی کرده است و اگر چنین است، مبارزه ای که اعلیحضرت در کتاب انتخاب زمان، خودشان را رهبران معرفی فرموده اند کدام اپوزیسیون است؟ آیا واقعا اپوزیسیون مرده است که هیچ اعتراضی به نوشته تلگراف نشده است؟

^۱ - <http://1400years.org/AmirFeyz/GozareshFaaliyateSangar-AmirFeyz-19Mar2012.pdf> در اینجا بخوانید.. ح-ک

اشاره مقاله تلگراف به دور تازه از فعالیت ها گویای این واقعیت هم هست که، مبارزه درجاده سردرگم افتاده، مبارزه فاقد میانی اعتقادی است، مبارزه به دور خودش میچرخد، مبارزه هر روز راه عوض میکند، و بقول حکما >اگر هر روز راهت را عوض کنی هیچگاه به مقصود نمیرسی< که سی سال است هنوز نمیدانیم کجائیم و چه میکنیم و چه میخواهیم درست همانند یک آدم مرده ای که نه لازم است بداند کجاست و چه میخواهد و چه میکند.

معامله حمله نظامی به ایران

مهمترین و شاخص ترین موضوع در گفتگوی دلی تلگراف با اعلیحضرت، مسئله حمله نظامی به ایران است که بصورت یک عقد و معامله مطرح شده است و لزوم تخصیص نقد حاضر به آن گفتگو به ملاحظه همان معامله و عقداست.

کیفیت معامله

مقاله مینویسد >رضاپهلوی میگوید راه حل پیشنهادی برای مسئله ایران، یک کنگره ملی است که باشفافیت، طرح پیشنهادی ما برای تغییر رژیم را تبیین خواهد کرد. انتخاب باشماست که از این طرح پشتیبانی کنید و یا به سراغ تهاجم نظامی بروید و درباره عواقب آن هیچ نظری نداشته باشید (۲)

۲- پیشنهاد منتسب به اعلیحضرت از نظرمهت حقوقی نزدیک به صلح حنوق است که تعریف حقوقی آن چنین است >عقدی است که در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و یا غیر آن واقع شود (ماده ۷۵۲)<

در تطبیق مورد؛ در مقابل حقی که آمریکا در حمله نظامی به ایران برای خود قائل است! اعلیحضرت بمنظور سلب این حق و یا رفع تنازع آمریکا پیشگام و یا مقدم به صلح حقوق میشود. یعنی پیشنهادی میدهند که آمریکا بجای حمله نظامی به ایران، پیشنهاد مزبور را بپذیرد و اضافه شده است که >مختارید که پیشنهاد را به پذیرید و یا به ادعای خودتان در انتخاب راه جنگ بروید< به عبارت روشنتر در پیشنهاد منتسب به اعلیحضرت، حقانیت ادعای آمریکا! پذیرفته شده است ولی پیشنهاد متوجه راه حلی است که درازای جنگ به آمریکا داده شده است.^۲

گرچه ماهیت صلح حقوق مزبور، ایجاد الزامی برای متصالح (آمریکا) نمیکند که به پیشنهاد مصالح اعتنائی کند و متصالح یک کشور متجاوز زورگوست که همانطور که رئیس جمهور آن کشور گفت: >ما هرکاری که بنفع کشورمان باشد میکنیم< اما نظریه اینکه پیشنهاد، پیشنهاد دهنده، سابقه قبلی و تکراری دارد و دولت آمریکاقبلا آنرا رد کرده است، لذا دولت آمریکا در این موقعیت خود را قرار گرفته میداند که همانطور که در پیشنهاد منظور شده به اقدامات نظامی علیه ایران مبادرت کند.

این تحریر نیاز دارد به سابقه تماس و گفتگوی آمریکا با کنگره که به آن اشاره شد رجوع داشته باشد:

کنگره همبستگی در کاخ سفید

یکسال بعد از تشکیل "کنگره همبستگی ایرانیان" به مدیریت آقای نصر اصفهانی که از گروه عظیمی شخصیت های سیاسی و نظامی تشکیل گردید؛ کنگره در اطلاعیه مطبوعاتی خود اعلام کرد که >کنگره بنابرد عوت روابط عمومی کاخ سفید، درباره سیاست گذاری ایالات متحده آمریکا با حضور آقای >آبرامز< معاون شورای امنیت ملی و آقای >برنز< معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا و تعدادی از اعضای کنگره از ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر روز ۲۰ جولای ۲۰۰۶ در یکی از ساختمان های کاخ سفید تشکیل گردید و در پایان جلسه، شرح تفصیلی نقطه نظرهای کنگره ایرانیان از جمله براندازی به وسیله مردم آزادیخواه و طرفدار دموکراسی در ۶ صفحه به مسنول روابط عمومی تسلیم گردید<

^۲ - توجه دارند که نقطه ظریفی است. و انتخاب واژه و جمله در بیان موضوع بسیار اهمیت پیدا می کند. ح-ک

ضمیمه- آقای نصرافهانی کنگره همبستگی ایرانیان رامتشکل از ۳۵ سازمان و حزب و گروه سیاسی و منفردین با باورهای سیاسی گوناگون بمنظوراتحاد عمل برای نجات ایران، معرفی کرده است (صفحه ۱۲ همان سنگر) (پایان ضمیمه)

و از آنجا که سنگر علاقمند بود بداند، گزارشی که آقای نصرافهانی در ۶ صفحه به کاخ سفید داده چه بوده، بوسیله فکسی درخواست رونوشتی ازگزارش مزبورراکرد. خوشبختانه وبا تشکر بعد از چندماه گزارش مزبور به سنگر رسید که بخشهای مهم آن گزارش در همان وقت درسنگر ۱۵ مرداد سال ۱۳۸۶ درج شده است.

در صفحه ۵ گزارش مزبور آمده است:

>.....جمهوری اسلامی تروریست است، دنبال سلاح اتمی است، ناقض حقوق بشر است، کارخانجات مردم رامصادره کرده است، ایرانیان زیرخط فقر قرار گرفته اند، پول ایران ازارزش افتاده است، بیکاری بیداد میکند، رژیم صدها ملیون دلار برای کمک به تروریستها مصرف میکند، جمهوری اسلامی سیاست خود رابه کشورهای دیگرخاورمیانه تحمیل میکند، هاشمی رفسنجانی در ترور بختیاروخامنه ای درآتش سوزی سینما رکس آبادان دست داشته اند که به کشته شدن صدها نفر منجر شد، بمب گذاری سفارت اسرائیل دریونس آیرس بوسیله جمهوری اسلامی تدارک شده است، کشتار بزرگ در عربستان و همچنین لبنان و کبار، کار جمهوری اسلامی بوده است، جمهوری اسلامی بالقاعده همکاری میکند. بررسی ها نشان میدهد که بعضی از تروریستهای ۱۱ سپتامبر به ایران سفر کرده بودند. جمهوری اسلامی بسیار خطرناک است اگر به بمب اتمی دسترسی پیدا کند<

بعد از آن مقدمه که کنگره خود رایک دستگاه مسلط به اطلاعات وابسته به جمهوری اسلامی معرفی میکند و در حقیقت به تمام ادعاهای آمریکا مهرتائید میزند از آمریکا درخواستهای زیر را مطرح میکند:

- ۱- پیروان دمکراسی نیاز دارند به همان کمکی که دنیای آزاد به فعالین شوروی، لهستان و آفریقای جنوبی کرد. (البته در آن موقع مسئله لیبی مطرح نبود والا الگوی لیبی هم در ردیف قرار میگرفت)^۲
- ۲- ماتیناداریم به کمک قوی و مستمر برای پیروان دمکراسی
- ۳- ماهمچنین نیاز داریم به حداکثر فشار علیه جمهوری اسلامی
- ۴- تمام امکانات و وسائل ممکنه باید بکار گرفته شود برای فشار به جمهوری اسلامی برای آزاد سازی زندانیان سیاسی
- ۵- فشار به کمپانی هابرای توقف معاملات با ایران یعنی تحریم اقتصادی

کنگره در آخر نامه خود به روابط عمومی کاخ سفید اینطور نوشته است:

>دنیابهبتر خواهد بود بدون رژیم تروریستی ملاها (این عبارت اقتباس از بوش است که در مورد عراق و صدام بکار برد و استفاده از آن در نامه کنگره به کاخ سفید تعارف قلبی است) مابه روزهائی نگاه میکنیم که ایرانیان از جمهوری اسلامی و رژیم ترور آزاد شده و از آزادی و دمکراسی لذت ببرند< (همان سنگر صفحه دهم)

حاشیه- خوانندگان محترم متوجه هستند که ملاقات کنگره در کاخ سفید در زمان بوش بوده است، که بوش خیلی بیش از رئیس جمهور کنونی آمریکا نسبت به اقدامات نظامی علیه ایران رغبت داشته ست. همچنین این توجه نیز بجاست که یک خواسته های کنگره از باب تحریم و فشار و مداخله در امور ایران و مبارزه، انجام شده و التماس کمکهای قوی و مستمر، که کاملاً علامت سرسپردگی و وفاداری کنگره به بیگانه است در صدر درخواست های کنگره از کاخ سفید قرار داشته است (پایان)

^۲ - پس از وقوع مورد لیبی همینکار هم صورت گرفت و اعتراض هایی به آن نوشته شد. ح-ک

ادامه بحث معامله حمله نظامی به ایران

شرح سابقه ملاقات و گفتگوی آمریکا با «کنگره همبستگی ایرانیان» و بویژه که کنگره ترکیب سیاسی خود را متشکل از ۳۵ گروه سیاسی با عقاید مختلف اعلام کرده، دقیقاً بدون ذره ای، همان چیزی است که در پیشنهاد اعلیحضرت منظور شده است و آمریکا پس از آن جلسه ۲۰ جولای ۲۰۰۶ همچنان به مقاصد جنگ طلبانه خود ادامه داد، بدون اینکه به درخواست ها و التماسها کنگره اعتنایی کند و بعد از ۷ سال اعلیحضرت مجدداً همان پیشنهاد مرده رد شده را در طبق معامله با آمریکائیان قرار میدهند، یعنی داستانی تمام شده و شرطی رد شده را بار دیگر شرط خودداری از عملیات نظامی علیه ایران میگذارند.

اینجا بهتر است یک تمثیلی آورده شود:

مردی گردن کلفت و خودش (آمریکا) قصد تصرف و ویرانه کردن خانه ای را دارد (ایران) یک علاقمند به خانه (اعلیحضرت) به آن مرد گردن کلفت پیشنهاد میکند که درازای خودداری از حمله به خانه، دخترم (کنگره همبستگی) خود را برای همبستری سیاسی و خدمات خاصه داوطلب کرده است.

کاخ سفید، کنگره همبستگی را دعوت میکند و بوسیله متخصصین خود، آقایان ابرامز و برنز با کنگره گفتگو میکنند و بهر دلیلی که مربوط به آمریکا باشد کنگره را رجکت Reject مینماید و قضیه از طرف کنگره مختومه و رد شده تلقی میگردد.

بعد از آقای بوش، آقای باباما رئیس جمهور میشود، پیشنهاد دهنده که بایگانی اطلاعاتی ندارد و عقید دارند که فعالیتشان اجتماعی است و نیازی به جمع آوری اطلاعات ندارند (از مصاحبه با خود نویسنده) پس از ۷ سال بار دیگر پیشنهاد رد شده سابقشان را تجدید میکنند «مصادق سنگ مفت و گنجشک مفت» یعنی چیزی که متصالح (آمریکا) قبلاً در ۷ سال قبل آنرا رد کرده، دگر باره درازای خودداری از حمله به ایران مجدداً مطرح و آنرا عرضه میکنند.

عقیده دارم که اگر پیشنهاد دهنده از سابقه رد پیشنهاد خود آگاه بوده معذراً همان را مجدداً درازای خودداری از حمله نظامی مطرح و پیشکش کرده، عملی برای خالی نبودن عریضه است و اگر از سابقه و رد آن آگاه نبوده این عدم آگاهی به آن علت است که بنظر ایشان، مبارزه، نیازی به اطلاعات ندارد ولی آمریکائیان هم به اطلاعات مجهزند و هم سابقه رد این وصلت سیاسی را دارند.

ملاحظات وابسته

۱- از نظر حقوق سیاسی داخلی هیچ فردی از افراد کشور حق پیشنهاد به دولت های غیر را در رابطه با حقوق ملی

و مملکت را ندارد. بنابراین، پیشنهاد فاقد پشتوانه حقوقی و اعتبار ملی است.

۲- از نظر حقوق بین الملل، پیشنهاد مزبور اصل عدم مداخله کشورها را بی اعتبار ساخته و جوازی برای مداخله بیگانه در امور کشورها میتواند تلقی گردد.

۳- صرف نظر از ملاحظات حقوقی بالا، پیشنهاد صلح تنازع اعلیحضرت، به دلیل زیر اذ حد اقل اعتبار محروم است؛

یکی از شرائط قطعی و لازم برای صحت معامله صلح حقوق و همچنین پیشنهاد آن، تعلق مورد صلح به مصالح (پیشنهاد دهنده) است.

پیشنهاد دهنده محترم نسبت به حقوق متعلقه به ایران مالکیت مشاعی دارند. یعنی به اندازه یک سهم از کل جمعیت ایران و در عبارت کامل تر «یک سهم از کل جمعیت ایران در گذشته و حال و آینده» حق مشاعی و در عین حال مسئولیت مشترک دارند بنابراین هرگونه معامله و یا پیشنهاد نسبت به حقوق ایران در اصطلاح حقوقی معامله فضولی نامیده میشود